

فصلنامه راهبرد سیاسی
سال اول، شماره ۳، زمستان ۱۳۹۶
صفحات: ۱۴۸-۱۱۹
تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۰۹/۲۶؛ تاریخ پذیرش نهایی: ۱۳۹۶/۱۲/۱۴

رویکردهای بین‌المللی و موانع سیاستی و راهبردی توسعه روستایی در ایران

حمیدرضا قوام ملکی*

چکیده

واقعیت‌های آشکاری نشان می‌دهد که طی چهار دهه اخیر هم در تدوین سیاست‌ها و راهبردها و هم در اجرای برنامه‌های توسعه روستایی اشتباهات راهبردی زیادی مرتکب شده‌ایم که به مانعی برای توسعه این مناطق مبدل شده است. شناخت این اشتباهات و بررسی علل بروز آنها و درس گرفتن از آنها برای رفع خطاها و اصلاح نمودن مسیر توسعه از ضروریات قطعی است. در مقاله حاضر با ارائه رویکردهای اصلی توسعه روستایی در عرصه بین‌المللی، مهم‌ترین سیاست‌ها و راهبردهای توسعه روستایی با نگاهی آسیب شناسانه مورد بررسی و ارزیابی قرار می‌گیرد و بر مبنای نتایج حاصله پیشنهادهاتی جهت تصحیح وضعیت توسعه روستایی در کشور ارائه می‌گردد.

کلید واژه‌ها

رویکرد، سیاست، راهبرد، مهاجرت، توسعه روستایی.

مقدمه

کشورها و مناطق مختلف جهان، متناسب با شرایط و اولویت‌ها، رویکردها و راهبردهای توسعه روستایی متفاوتی را در پیش گرفته‌اند. قطعاً نمی‌توان بدون در نظر گرفتن تجربیات جهانی در این زمینه و با تمرکز صرف بر اشتغال‌زایی در روستاها (بدون در نظر گرفتن راهبرد توسعه روستایی) توفیق چندانی بدست آورد (که پایدار و ماندگار نیز باشد). چون اشتغال‌زایی و کارآفرینی در فضایی مستعد رخ می‌دهد و بدون وجود آن فضا عملاً نمی‌توان متوقع موفقیتی پایدار بود. رویکردها و راهبردهای توسعه روستایی را اینگونه می‌توان تقسیم‌بندی نمود:

۱- رویکردها و راهبردهای توسعه روستایی در عرصه بین‌المللی

الف. رویکردهای فیزیکی-کالبدی:

۱. راهبرد توسعه و بهبود زیرساخت‌های روستایی

زیرساخت‌های روستایی را می‌توان سرمایه‌های عمومی و اجتماعی روستاها دانست که بدین جهت توسعه این زیرساخت‌های اجتماعی، فیزیکی و نهادی باعث بهبود شرایط و کیفیت زندگی و معیشت مردم محلی و ارتقای کارایی زندگی اجتماعی و اقتصادی آنان خواهد شد. بعنوان مثال، توسعه زیرساخت‌های اجتماعی همچون تسهیلات و خدمات بهداشتی و آموزشی، باعث بهبود کیفیت منابع انسانی و افزایش توانایی‌های آنان (در جایگاه‌های فردی و اجتماعی) خواهد شد. منظور از ایجاد، توسعه و نگهداری زیرساخت‌های روستایی، صرفاً تزریق نهاده‌های سرمایه‌ای به یک جامعه با تولید سنتی نیست، بلکه هدف ایجاد ساز و کارها، نهادها و مدیریت جدیدی است که در عمل نیازمند مشارکت وسیع روستاییان است. در واقع این استراتژی، با همکاری مردم می‌تواند به‌طور آگاهانه، ارادی و موفقیت‌آمیز از دوران طراحی، برنامه‌ریزی و سرمایه‌گذاری گذر کرده و به شرایط مطلوب پایدار وارد گردد.

ب. رویکردهای اقتصادی:

۱. راهبرد انقلاب سبز

این راهبرد دارای دو معنای به نسبت متفاوت است: یکی به معنی دگرگونی کلی در بخش کشاورزی است به طوری‌که این تحول باعث کاهش کمبود مواد غذایی در کشور و مشکلات کشاورزی گردد. دیگری به معنی بهبود نباتات خاص (بویژه گسترش انواع بذرها) اصلاح شده

گندم و برنج) و تولید زیاد آنان است. بر اساس برخی مطالعات، انقلاب سبز باعث کاهش مهاجرت‌های روستایی نشده است و بعضاً باعث بروز اختلافاتی مابین نواحی روستایی (بخاطر بازده متفاوت زمین‌ها در این محصولات اساسی) نیز شده است.

۲. راهبرد اصلاحات ارضی

اکثر کشورهای جهان، برای گذار از یک ساخت ارضی به ساختی دیگر، اصلاحات ارضی را در برنامه‌ریزی‌های توسعه روستایی خود گنجانده‌اند. به عبارت دیگر، تجدید ساختار تولید و توزیع مجدد منابع اقتصادی را از اهداف عمده برنامه‌های توسعه روستایی خویش قلمداد نموده‌اند. از دیدگاه بسیاری از صاحب‌نظران امر توسعه اصلاحات ارضی کلید توسعه کشاورزی است. البته در بعضی موارد نیز، به دلیل ساماندهی نامناسب خدمات پشتیبانی و تخصیص اعتبارات موردنیاز، چیزی به درآمد زارعان خرده‌پا افزوده نمی‌شود.

۳. راهبرد صنعتی نمودن روستاها

اگرچه در این راهبرد، توسعه کشاورزی در فرآیند توسعه روستایی حائز اهمیت است اما در عین حال باید با توسعه فعالیت‌های صنعتی همراه شود. در بسیاری از کشورها (بخصوص آسیایی‌ها) صرفاً زراعت نمی‌تواند اشتغال کافی و بهره‌ور ایجاد نماید (ظرفیت زمین نیز محدود است) بدین‌جهت باید به ایجاد اشتغال سودآور غیر زراعی نیز پرداخت تا تفاوت درآمد شهرنشینان و روستانشینان افزایش نیافته و مهاجرت روستاییان به شهر کاهش یابد. در این راستا باید اقدامات ذیل صورت پذیرد: (الف) ایجاد مشاغل غیر زراعی و فعالیت‌های درآمدزا، (ب) رواج مراکز روستایی دست پایین. اهداف عمده این راهبرد را می‌توان این‌گونه برشمرد:

- ایجاد اشتغال غیر کشاورزی برای روستاییان بیکار یا نیمه بیکار در یک منطقه
 - همیاری در جلوگیری از جریان مهاجرت به مراکز شهری
 - تقویت پایه‌های اقتصادی در مراکز روستایی
 - استفاده کامل (بیشتر) از مهارت‌های موجود در یک ناحیه
 - فرآوری تولیدات کشاورزی محلی
 - تهیه نهاده‌های اساسی و کالاهای مصرفی برای کشاورزان و دیگر افراد محلی
- بیشتر اینگونه صنایع روستایی در کسب‌وکارهای خرد (کوچک‌مقیاس) شکل می‌گیرند که می‌تواند بخش عمده‌ای از آن را صنایع دستی تشکیل دهد. این صنایع دستی می‌توانند از

ابزارهای پیشرفته‌تر برای کار خود بهره برده و بدلیل سادگی و مقبولیت بیشتر در جوامع روستایی و امکانات اشتغال‌زایی بیشتر، کمک بیشتری به بهبود وضعیت روستاییان انجام دهند.

۴. راهبرد رفع نیازهای اساسی

این راهبرد در جستجوی اتخاذ شیوه‌ای است تا بر اساس آن نیازهای اساسی فقیرترین بخش از جمعیت روستایی را به درآمد و خدمات (در طول یک نسل)، برطرف نماید. نیازهای اساسی شامل درآمد (کار مولد) و هم خدمات موردنیاز زندگی می‌شود. محورهای اصلی این راهبرد عبارتند از:

- تغییر معیار برنامه‌های اجرایی از "رشد" به سمت "نیازهای اساسی" که از طریق اشتغال و توزیع مجدد صورت می‌گیرد (به عبارت دیگر از "رشد اقتصادی" به "توسعه اقتصادی").
- چرخش از اهداف ذهنی به سمت اهداف عینی و واقعی
- کاهش بیکاری

از این‌رو رفع نیازهای اساسی تهیدستان، در کانون مرکزی این راهبرد قرار می‌گیرد و اهداف رشد محور جای خود را اهداف مصرفی می‌دهند که در مناطق روستایی با سرمایه و واردات کمتری (نسبت به بخش شهری) قابل انجام هستند (رضوانی، ۱۳۹۱: ۵۷-۵۹).

ج. رویکردهای اجتماعی-فرهنگی:

۱. راهبرد توسعه اجتماعی

راهبرد توسعه اجتماعی محلی (جامعه‌ای)، اهداف توسعه اقتصادی - اجتماعی را توأمأً شامل می‌شود و نوید می‌دهد که هم پایه‌های نهادهای دموکراتیک را بنا نهد و هم در تأمین رفاه مادی روستاییان مشارکت نماید.

۲. راهبرد مشارکت مردمی

از این دیدگاه، مردم هم وسیله توسعه هستند و هم هدف آن. طرح‌های توسعه روستایی چه به لحاظ ماهیت طرح‌ها و چه به خاطر محدودیت امکانات و منابع دولتی، نیازمند مشارکت مردم در ابعاد وسیع هستند. در این راهبرد باید با تلفیق مناسب رویکردهای بالا به پایین و پایین به بالا، امکان مشارکت گسترده مردم را در فرآیند توسعه روستایی فراهم آورد. محورهای اصلی این راهبرد عبارتند از:

- تأکید بیشتر بر نیازهای مردم
 - تشویق و افزایش مشارکت مردم در هر مرحله از فرآیند برنامه‌ریزی
 - بسط و ترویج سرمایه‌گذاری‌های کوچک، که مردم قادر به اجرای آن باشند
 - کاهش هزینه‌های مردم و در مقابل افزایش درآمدهای آنان
 - تشویق مردم در جهت تداوم و نگهداری پروژه‌های توسعه (افزایش آگاهی‌های مردم و کاهش زمان و هزینه طرح‌ها و پروژه‌ها)
- مشارکت در حکم وسیله‌ای برای گسترش و توزیع دوباره فرصت‌ها با هدف اتخاذ تصمیم‌های جمعی، همیاری در توسعه و بهره‌مندی همگانی از ثمرات آن است. این مشارکت می‌تواند در تمامی مراحل مختلف تصمیم‌گیری، اجرا (عملیات، مدیریت و اطلاع‌رسانی)، تقسیم منافع، و ارزیابی وجود داشته باشد.

د. رویکردهای فضایی، منطقه‌ای و ناحیه‌ای:

۱. راهبردهای تحلیل مکانی

والتر کریستالر (۱۹۳۳) بر مبنای نظریات جی.اچ.فون تونن و آلفرد وبر (۱۹۰۹) نظریه "مکان مرکزی" را ارائه نمود که بر اساس میزان جمعیت، نقش و کارکرد، فاصله، پراکندگی سکونتگاه‌های انسانی به شرح و تبیین ساختار (چارچوب) فضایی سکونتگاه‌ها و حوزه نفوذ آنان (و بالتبع سر و ساماندهی به نحوه چیدمان نقاط شهری و روستایی) می‌پردازد. متخصصان این زمینه با پذیرش علم جغرافیا (به عنوان تحلیل‌گر فضای زیست)، به استفاده از نظریات برجسته دیگر در رابطه با تقسیم‌بندی فضایی - مکانی و ساماندهی فضا نیز مبادرت نمودند. سه نظریه مطرح در این زمینه را می‌توان به طور خلاصه اینگونه معرفی نمود:

- نظریه زمین‌های کشاورزی (جی.اچ.فون تونن): این نظریه به تحلیل چگونگی استفاده و سر و ساماندهی به زمین‌های کشاورزی می‌پردازد. بر اساس این نظریه فعالیت‌های کشاورزی و ارزش زمین‌ها متناسب با فاصله آن‌ها از بازار (شهری) تعریف می‌شود (دوایر متحدالمرکزی حول شهرها).

- نظریه مکان‌یابی صنایع (آلفرد وبر): بر اساس این نظریه، صاحبان صنایع می‌کوشند مکانی را جهت استقرار کارخانه‌های خود برگزینند که با حداقل هزینه تولید محصول و توزیع آنان

(هزینه‌های حمل و نقل) همراه باشد. در واقع زنجیره‌ای از جریان کالا، خدمات و اطلاعات (وزن و نحوه تعامل آن‌ها) ما را قادر به مکان‌یابی صحیح صنایع می‌کند.

- نظریه مکان مرکزی (والتر کریستالر): براساس این نظریه، هر مکانی که موقعیت مرکزی می‌یابد با تولید و توزیع هر چه بیشتر کالا و خدمات در حوزه‌های اطراف (یا منطقه نفوذ) به تحکیم موقعیت مرکزی خود می‌پردازد، به همین خاطر، چنین مکان‌های مرکزی، خدمات بیشتری را در خود متمرکز می‌سازند. بر مبنای این نظریه، نقاط مرکزی در قالب نظامی سلسله‌مراتبی (مبتنی بر جمعیت، فاصله، نقش یا کارکرد) عمل می‌نمایند. طبق این نظریه، خریداران، کالاها و خدمات مورد نیاز خود را از نزدیک‌ترین بازار فروش در دسترس تهیه می‌کنند (پرتی، ۱۳۹۱: ۱۳۲-۱۳۳).

۲. راهبرد توسعه روستا - شهری

از پایان دهه ۱۹۷۰، در واکنش به زوال الگوهای توسعه و پس از راهبرد "نیازهای پایه" سازمان جهانی کار (۱۹۷۶)، راهبرد توسعه روستا - شهری یا منظومه کشت - شهری (اگروپولیتن) مطرح گردید. برای درک بهتر این راهبرد باید الگوی "مرکز - پیرامون" و راهبرد نیازهای پایه را دانست.

تحقیقات فریدمن (در آمریکای جنوبی) نشان داده است که می‌توان فضای زندگی را به دو بخش "مرکز" و "پیرامون" تقسیم نمود که رابطه بین این دو نظام، استعماری است و پیامد آن قطبی شدن در مرکز و حاشیه‌ای شدن در پیرامون است. راهبرد نیازهای پایه نیز چرخش آشکاری بود از راهبردهای متداول تولید محور، صنعت کار و شهر گرا به سمت راهبردهای مردم محور، کشاورزی و روستاگرا.

راهبرد روستا - شهری بر مبنای الگوی مرکز - پیرامون (تجمع سرمایه و منافع در نقاط شهری) و متأثر از راهبرد نیازهای پایه (رفع فقر و ایجاد اشتغال، خوداتکایی، و تأمین مایحتاج اصلی)، این محورها را برای توسعه مناطق روستایی پیشنهاد می‌کند: درون‌گرایی، حفاظت‌گرایی، خودگردانی (خودکفایی)، و نهادینه‌سازی مشارکت. اگر قرار است منظومه کشت - شهری توسعه یابد، باید توسعه را خود بخش‌ها تعیین کرده، خود راه‌اندازی کرده، خود ساخته و خود صاحب شوند. مدیریت مناسبات نظام‌ها نیز باید توسط شورایی متشکل از نمایندگان بخش‌های مختلف (و مدیران ملی) انجام پذیرد.

۳. راهبرد یوفرد

این راهبرد بر پایه نقش فعالیت‌ها و کارکردهای شهری در توسعه روستایی (و منطقه‌ای) تعریف می‌شود که شامل این مراحل می‌گردد: تجزیه و تحلیل منابع ناحیه‌ای، تدوین نقشه تحلیلی منطقه، تحلیل نظام سکونتگاهی، تحلیل ارتباطات فضایی، تحلیل دسترسی‌ها (ارتباطات)، تحلیل شکاف عملکردی، تنظیم راهبردهای توسعه فضایی، تعیین نارسایی پروژه‌ها و برنامه‌های توسعه، بازبینی و نهادینه‌سازی تحلیل‌های فضایی در برنامه‌ریزی روستایی و ناحیه‌ای. این راهبرد با ارائه اطلاعات فراوان و ذی‌قیمتی به سیاست‌گذاران و برنامه‌ریزان، آنان را در توزیع سرمایه‌گذاری‌ها در راستای یک الگوی متعادل جغرافیایی (اقتصادی و فیزیکی) یاری می‌دهد. برمبنای این راهبرد، وجود شهرک‌ها و مراکز کوچکی (به عنوان بازار محصولات کشاورزی)، که خدمات اجتماعی اولیه و امکانات عمومی را نیز در اختیار روستاییان قرار می‌دهند، بخاطر پیوندهای مابین خود و مناطق روستایی، می‌توانند به گونه‌ای بهتر به شکل‌گیری اسکلت مورد نیاز توسعه روستایی یاری رسانند (شریعتی، ۱۳۹۱: ۸۹-۹۵).

۴. راهبرد نظام سلسله‌مراتبی سکونتگاه‌ها و برنامه‌ریزی مراکز روستایی

بسیاری از کشورهای در حال توسعه فاقد الگوی استقرار هستند و ممکن است در سلسله مراتب سکونتگاهی، مراکز میانی و واسطه مجهز داشته باشند اما مراکز سطح پایین ندارند و یا اینکه مراکز کنونی، بخشی از نظام سلسله مراتب نقاط مرکزی (یکپارچه از نظر کارکردی) را تشکیل نمی‌دهند. نظام فضایی (پدید آمده) باید بگونه‌ای باشد که برای انتقال رشد اقتصادی و تأمین خدمات و کالاهای کافی مناسب باشد. در فرآیند برنامه‌ریزی ناحیه‌ای توسعه، این راهبرد حد میانه تمرکزگرایی (مانند قطب رشد) و تمرکززدایی (همچون منظومه کشت-شهری) را برگزیده و تجمیع غیرمتمرکز و به عبارت بهتر، "تمرکززدایی با تجمیع" را پیشنهاد کرده است. در واقع این نظریه، راه‌حلی اصلاح‌طلبانه برای کاستی‌ها و نارسایی‌های توسعه فضایی متدوال، که قطبی شده و باعث ایجاد اختلافات ناحیه‌ای شده است، می‌باشد (قنبری، ۱۳۸۷: ۶۶-۶۹).

"جانسون"، جمع‌بندی نظریه‌ها را در گرو سیاست‌گذاری فضایی برای دستیابی به توسعه می‌دانست، اما کلید توسعه روستایی را در وجود شبکه‌ای از شهرهای کوچک (که واسطه ارتباط با شهرهای بزرگ می‌شوند) دیده است. در واقع دسترسی فضایی به فرصت‌ها و تولیدات را با ایجاد و تقویت این گونه شهرها پیشنهاد نموده است. "رندیلی" معتقد بود باید ایجاد شهرهای کوچک در پیوند با حوزه‌های روستایی، محور قرار گرفته تا تنوع‌بخشی به اقتصاد، صنعتی نمودن،

عرضه پشتیبانی و تجاری‌سازی کشاورزی و امثالهم، و در نهایت سازماندهی و مدیریت توسعه به خوبی برآورده شود. برخلاف او که پرکردن خلأ سلسله‌مراتبی را از بالا به پایین مدنظر قرار داده است، "میسرا" (پژوهشگر معروف هندی)، ساختن چنین فضایی را عمدتاً از پایین به بالا مدنظر قرار داده است (از کوچکترین نقطه روستایی ممکن).

در الگوی رشد مراکز روستایی ("کمسیون پیرسون")، عمدتاً مراکز روستایی نقاطی هستند که باید برای جهت‌دهی مناسب به فرآیند توسعه، تسهیلات و امکانات قابل‌قبولی را در آنان متمرکز نمود. تمرکز این تسهیلات نیل به تخصص مناسب و مؤثر در زمینه خدمات و همچنین ایجاد تحرک کنترل‌شده توسعه را در پی خواهد داشت. هدف این الگو، فوریت‌بخشی و تقویت شبکه‌ای از نقاط مرکزی در نواحی روستایی و توزیع مناسب مراکز زیستگاهی (در بخش‌های پایین سطح و واسط میانی) است.

۵. راهبرد توسعه یکپارچه ناحیه‌ای

مهم‌ترین دلایل روی‌آوری به این راهبرد، عبارتند از:

- استفاده بهتر از سرمایه، نیروی انسانی و عوامل تولید
- استخراج و بکارگیری بهینه منابع محلی
- مشارکت آزادانه مردم در سطح ناحیه (که کوچکتر از منطقه است)
- تجانس بیشتر در ناحیه به علت کوچکی نسبت به منطقه
- همکاری بهتر سازمان‌های مختلف درگیر در امر برنامه‌ریزی

هدف از این راهبرد یکپارچه‌سازی کلیه امور توسعه در ناحیه است. برنامه‌ریزی ناحیه‌ای، برنامه‌ریزی برای مراکز روستایی (فقط ناحیه نه الزاماً جزئی از فرآیند برنامه‌ریزی ملی) است، به شرط آنکه به پیوند با مراکز شهری بزرگتر واقع در خارج از سلسله‌مراتب ناحیه نیز توجه کافی مبدول دارد (برنامه‌ریزی توزیع‌شده). به عبارت دیگر، توسعه یکپارچه ناحیه‌ای، روشی است برای اجرای همزمان فعالیت‌های مربوط به برنامه‌ریزی چندمنظوره، که البته این فعالیت‌ها در هر دو سطح کلان و خرد صورت می‌پذیرد (کشاورزی، صنعت و خدمات) و ابعاد اقتصادی، اجتماعی، فضایی و سازماندهی را با هم دربرمی‌گیرد. ویژگی‌های اصلی توسعه یکپارچه ناحیه‌ای عبارتند از: هماهنگی بین بالا و پایین، یکپارچگی میان‌بخشی و برقراری روابط متقابل مابین چهار جنبه اصلی توسعه (اقتصادی، اجتماعی، فضایی و سازماندهی).

۶. راهبرد توسعه زیست - ناحیه

"زیست - ناحیه" را می‌توان در کل معادل "قلمرو زندگی" دانست که عبارتست از سطح جغرافیایی قابل‌تشخیصی که شامل نظام‌های زندگی به هم پیوسته و خودنگهداری (از نظر بازتولید طبیعت) بوده و در نتیجه روابط ارگانیک بین تمامی اعضای ناحیه برقرار است. توسعه متوازن یک "اجتماع" یعنی انسان و محیط زیست اطراف او باعث می‌شود طی یک روند اخلاقی پایدار، رشد و پیشرفت مستمر مردم (به عنوان هدف اصلی) در تعاملی سازنده با محیط اطراف محقق شود و به زمین، هوا، آب و کلاً محیط زیست انسان لطمه‌ای وارد نشود. این راهبرد ملهم از اندیشه توسعه پایدار است.

۷. راهبرد توسعه پایدار و همه‌جانبه روستایی

مطابق این راهبرد باید فرآیندی همه‌جانبه و پایدار طی شود تا در چارچوب آن، "توانایی‌های اجتماعات روستایی" در جهت رفع نیازهای مادی و معنوی، در عین برقراری توازن میان اجزای تشکیل‌دهنده نظام سکونت محلی (اکولوژیکی، اجتماعی، اقتصادی و نهادی)، رشد و تعالی یابد. محورهای اصلی این راهبرد عبارتند از:

۱. حفاظت، بهره‌برداری مؤثر و متوازن از منابع پایه
۲. افزایش قدرت انتخاب مردم و توانمند نمودن اقشار آسیب‌پذیر روستایی بویژه زنان و جوانان
۳. توسعه و گسترش مشارکت مؤثر و همه‌جانبه مردم و نهادهای محلی در فرآیند تصمیم‌سازی و برنامه‌ریزی
۴. ارتقای بهره‌وری، توسعه فرصت‌ها و ظرفیت‌های متنوع اقتصادی
۵. توسعه فرصت‌های پایدار از حیث دسترسی به منابع، امکانات و منافع میان شهر و روستا
۶. ارتقای همه‌جانبه کیفیت زندگی اجتماعات روستایی (شفرده، ۱۳۸۹: ۵۶).

۲- رویکردها و راهبردهای توسعه روستایی در ایران

پس از مرور رویکردها و راهبردهای مطرح توسعه روستایی در عرصه بین‌المللی حال نگاهی به رویکردها و راهبردهای توسعه روستایی در ایران خواهیم داشت. مروری بر رویکردها و راهبردهای گوناگون اتخاذ شده در برنامه‌های توسعه روستایی در ایران نشان می‌دهد که تقریباً از طیف بسیار وسیعی از راهبردهای توسعه روستایی در مقاطع مختلف و بعضاً همزمان استفاده

شده است. مطالعات نشان می‌دهند از مجموع بیش از ده راهبرد مطرح در زمینه توسعه روستا تقریباً همگی آنها بنوعی به عنوان سیاست راهبردی در توسعه روستاهای ایران در قالب چهار راهبرد کلی بکار گرفته شده‌اند. فهرستی از این راهبردها را می‌توان بشرح زیر برشمرد:

الف. رویکردهای فیزیکی - کالبدی: منجمله راهبرد توسعه و بهبود زیرساخت‌های روستایی؛
ب. رویکردهای اقتصادی: منجمله انقلاب سبز و اصلاحات ارضی و راهبرد صنعتی نمودن روستاها (که البته توجه به صنایع تبدیلی کمتر و صنایع روستایی و صنایع سنتی روستایی بیشتر مورد توجه بوده). همچنین راهبرد رفع نیازهای اساسی روستائیان و سیاستهای درآمدی و حمایتی دولت از روستائیان در راستای رویکرد اقتصادی اتخاذ شده است که معطوف به ارتقاء سطح معیشت و رفاه روستائیان بوده است؛

ج- رویکردهای اجتماعی - فرهنگی: منجمله توسعه مشارکت روستائیان از طریق نهادهای مردمی که با هدف دخالت دادن روستائیان در اداره امور روستا و در قالب شوراهای روستایی و انتخاب دهیار و گسترش تشکلهای تعاونی در روستاها دنبال شده است؛

د. رویکردهای فضایی، منطقه‌ای و ناحیه‌ای: که رهیافتهای راهبردهای مختلف مطرح در این رویکرد تقریباً به عنوان ابزاری در تحلیل منطقه‌ای و مکانی در برنامه‌ریزی توسعه روستایی مد نظر بوده است و اتکاء بر این راهبردها از پیشینه نسبتاً زیادی در برنامه‌ریزی توسعه روستاهای کشور برخوردار است (استعلاجی، ۱۳۹۰: ۵۶).

جدول زیر تعداد طرح‌های توسعه محلی در مناطق روستایی که در حال حاضر تهیه و تصویب می‌شود و در مرحله اجرا قرار دارند را نشان می‌دهد.

جدول - انواع راهبردهای توسعه روستایی کشور و سازمان‌های متولی

نام طرح	محدوده طرح	گستره جغرافیایی	ماهیت راهبرد	متولی راهبرد
راهبرد ساماندهی فضاها و مراکز روستایی کشور	کشور، استان، شهرستان	مناطق روستایی	فضایی - کالبدی	وزارت جهاد کشاورزی
راهبرد ساماندهی اقتصادی و اجتماعی فضاهای روستایی	ناحیه روستایی (بخش)	همه نواحی روستایی	اقتصادی و اجتماعی	وزارت جهاد کشاورزی

راهبرد ساماندهی کالبدی سکونتگاه‌های روستایی	ناحیه روستایی (خش یا دهستان)	برخی قلمروهای روستایی	کالبدی	بنیاد مسکن
راهبرد هادی روستایی	روستا	همه روستاهای کشور	کالبدی	بنیاد مسکن
راهبرد ساماندهی بافت با ارزش	بافت با ارزش روستا	روستاهای دارای بافت با ارزش	کالبدی	بنیاد مسکن
راهبرد راهبردی - ساختاری روستاهای هدف گردشگری	روستا	روستاهای هدف	اقتصادی، اجتماعی، کالبدی	سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری

فهرست راهبردهای بکار رفته در توسعه روستا طی چهار دهه اخیر نشان می‌دهد که در واقع روستاهای ایران طی این مدت عرصه آزمایشگاهی برای تست و آزمون راهبردهای گوناگون توسعه به مفهوم عام و توسعه روستایی به مفهوم خاص بوده است. با این حال شواهد فراوان نشان می‌دهد کماکان روستاهای زیادی در کشور وجود دارند که از وضع نابسامان توسعه نیافتگی رنج می‌برند. البته تلاشهای چهار دهه اخیر تا حدود زیادی موجب آبادی روستاهای کشور شده است اما واقعیت تلخ آن است که به واسطه تدوین و اجرای سیاستهای نادرست از یک سو و عدم درک واقع‌بینانه از مفهوم توسعه روستایی در میان مدیران محلی و برنامه‌ریزان توسعه در مناطق و استانها از سوی دیگر و عدم غایت‌نگری در برنامه‌ها و راهبردهای اتخاذ شده^۱، روستاهای زیادی به لحاظ ماهیت و کارکرد از حالت روستا بودن تغییر ماهیت داده و بجای روستا، مناطق مسکونی ایجاد شده که آبادتر از گذشته به لحاظ بهره‌مندی از امکانات اجتماعی و خدماتی است، اما به لحاظ کارکرد روستا نیست^۲. از طرفی علیرغم بیش از چهار دهه تلاش

۱. برخی از این راهبردها توصیه‌های بجایی دارند ولی در عمل و اجراء چون غایت‌نگری در برنامه صورت نمی‌گیرد نتیجه معکوس عاید می‌شود. برخی نیز اساساً برای حل معضلات روستاهای کشوری چون بنگلادش و کشورهای آفریقایی تعبیه و تدوین شده‌اند ولی بدون درک ماهیت آن راهبردها، در مورد روستاهای ایران تجویز و بکار گرفته می‌شود.

۲. به عقیده اغلب کارشناسان توسعه روستا فقط با آوردن آب و برق در روستا تحقق نمی‌یابد، همین الان گفته می‌شود که حدود ۹۰٪ روستاهای کشور دارای آب بهداشتی و برق هستند ولی سؤال این است که چرا توسعه اتفاق نیفتاده است؟

برای توسعه روستا شاهد این واقعیت تلخ نیز هستیم که روستاهای زیادی به لحاظ ماهیت و کارکرد روستا بودن نابود شده و از بین رفته و در شهرها ادغام شده‌اند یا مناطقی حاشیه‌ای ایجاد شده‌اند که نه کارکرد روستایی دارند و نه کارکرد شهری. علیرغم آبادترشدن روستاها نسبت به گذشته، روستائیان به لحاظ معیشتی نه وابسته به زمین و بهره‌برداری از آب و خاک و دام هستند و نه دارای کارکردی صنعتی و خدماتی^۱ و در خور جامعه شهری هستند. معیشت مردم در این مناطق بیشتر وابسته به مشاغل واسطه، غیر مولد و بعضاً غیر رسمی و غیر قانونی است.^۲ موضوع به اینجا ختم نمی‌شود، روند مهاجرت از روستاها به شهرها، خصوصاً شهرهای بزرگ طی چهار دهه اخیر پدیده‌ای رو به رشد بوده است که توقف و کندی هم نداشته و این خود نیز نشان از عدم توفیق برنامه‌های توسعه روستا محور دارد. مهاجرت از روستا به شهر از یک سو و رشد جمعیت شهری از سوی دیگر موجب سرعت یافتن روند پیشروی شهرهای بزرگ در روستاهای اطراف و مناطق حوزه نفوذ خود شده است. بروز پدیده‌ای که می‌توان تحت عنوان پدیده ادغام از آن نام برد. طی فرآیند ادغام شهرهای بزرگ آنقدر گسترده می‌شوند که زمینهای کشاورزی به همراه روستاهای حوزه نفوذ خود را در بر گرفته و در خود می‌بلعند. روستاهای زیادی در چهار دهه گذشته طی فرآیند ادغام توسط شهرها بلعیده شده‌اند بدون آنکه جمعیت ساکن در این روستاها به اختیار زندگی شهری را انتخاب کرده باشند و بدون آنکه جمعیت روستایی ساکن در این روستاها ماهیتاً و به لحاظ ایفای نقش اجتماعی، کارکردی شهری یافته باشند (رضوانی، ۱۳۹۳: ۱۳۲). متأسفانه روند ادغام همچنان با سرعت در حال وقوع است و شهرهای بزرگ به جهت مواجه بودن با رشد جمعیت و تقاضای فزاینده برای مسکن همچون یک سونامی روستاهای زیادی را در حوزه نفوذ نابود می‌کنند و در خود می‌بلعند. هرچند در سالهای اخیر آهنگ رشد جمعیت شهری تا حدودی کاهش یافته است، ولی رشد تقاضا برای مسکن در شهرها که تابعی با وقفه زمانی است که از روند رشد جمعیتی بالا مربوط به سالهای

۱. مفهوم واقعی خدمت در اقتصاد منظور است. بعلاوه برنامه‌های توسعه روستا محور قرار است روستای توسعه یافته بسازد و قرار نیست مبدل به فرایندی شود برای تبدیل روستا به شهر.

۲. همانند روستاهای مرزی و روستاهای زیاد دیگری که در مسیر جاده‌های اصلی و ترانزیت قرار گرفته‌اند و مشاغل عمده ساکنین آن مناطق قاچاق کالا و فعالیتهای غیر رسمی دیگر است و فعالیت کشاورزی و دامداری معیشت دوم این روستائیان محسوب می‌شود.

گذشته تبعیت می‌کند، همچنان آثار مخرب خود را طی فرآیند پیشروی شهر بسوی روستا در جهت زوال و نابودی روستاهای بیشتر برجای خواهند گذاشت.

سیاست‌های حمایتی

اگر بخواهیم نگاهی آسیب‌شناسانه به راهبردها و برنامه‌های دولت در توسعه روستا بیاندازیم باید علاوه بر اشکالات مذکور بر این موضوع نیز تاکید کنیم که سیاستهای حمایتی دولت در روستاها نیز اغلب بطور عام و نه گزینش شده برای گروه‌های هدف خاص دنبال شده و می‌شود که خود جای تأمل و ملاحظه دارد. مثلاً براساس گزارشات منتشره: قریب به ۸۰٪ از روستائیان تحت پوشش کمیته امداد حضرت امام(ره) هستند، که در صورت صحت این موضوع باید گفته شود که دولت بیش از حد لازم از سیاستهای حمایتی در روستاها بهره می‌گیرد. واقعیت موجود نشان می‌دهد که فقر و نیازمندی اساسی در میان روستائیان کشور تا به این گستردگی نیست که ۸۰٪ روستائیان تحت پوشش کمیته حضرت امام قرار بگیرند، بلکه واقعیت موجود نشان می‌دهد فقر در میان جمعیت محدودی از روستائیان اما بطور عمیق وجود دارد. به عبارت دیگر روستائیانی که عمیقاً دچار فقر و نیازمندی هستند جمعیت محدودی از روستائیان کشور را شامل می‌شوند. از طرف دیگر اگر بخواهیم بپذیریم که بعد از گذشت بیش از چهار دهه تلاشهای برنامه‌ریزی شده در جهت توسعه و عمران روستاها، واقعاً گستردگی فقر در روستا به حدی است که لزوماً باید ۸۰٪ جمعیت روستایی کشور تحت پوشش حمایتی نهادهای حمایتی همچون کمیته امداد حضرت امام باشند، این خود بیانگر ناکارآمدی برنامه‌های توسعه روستا محور طی دهه‌های اخیر خواهد بود.^۱

از اقدامات اشتباه دیگر در زمینه سیاستهای حمایتی روستا محور توزیع سهام عدالت در میان همه روستائیان کشور است. هم اصل واگذاری سهام و هم فراگیر بودن آن در میان همه روستائیان کشور مورد انتقاد است.

۱. البته به نظر می‌رسد برنامه‌های حمایتی کمیته امداد در روستاها صرفاً محدود به رفع نیازهای اساسی روستائیان فقیر نباشد، بلکه عمده این برنامه‌ها در جهت خود بسندگی و خود اتکایی روستائیان نیازمند دنبال می‌شود که در آنصورت این اقدامات شایسته تقدیر است. در هر حال سیاست‌های حمایتی دولت در روستاها باید سازمان یافته تر و برنامه ریزی شده پیش برود تا آثار معکوس نداشته باشد.

اساساً توزیع سهام (آنهم سبد سهام مربوط به صنایع و بنگاه‌های بزرگ صنعتی کشور) در طیف کارگری و کارمندی جمعیت شهری که در دهک‌های پایین درآمدی قرار دارند، موضوعیت بیشتری دارد تا روستائیان. توزیع سهام عادلانه‌ای از منافع حاصل از برنامه‌های توسعه ملی میان روستائیان لزوماً نباید در توزیع سهام عدالت تعریف و توجیه شود. اگر در میان روستائیان بجای سهام عدالت سهمی عادلانه از زمین کشاورزی توزیع می‌شد بسیار موثرتر و مفیدتر بود. بعلاوه فراگیر بودن این اقدام دولت یعنی توزیع سهام میان همه روستائیان خود قابل نقد است و اساساً با عدالت سازگاری ندارد. همه روستائیان که در دهک‌های پایین درآمدی جامعه قرار نمی‌گیرند و نیازمند اقدام حمایتی دولت نیستند، بلکه روستائیان فاقد زمین و ابزار کار و سرمایه یا دارای زمین نا مرغوب به اقدامات و کمک‌های حمایتی دولت نیازمند هستند. البته موضوع توزیع سهام عدالت میان همه روستائیان از دو جنبه دیگر نیز قابل نقد و بررسی است:

الف- از بعد آثار معیشتی، توزیع سهام عدالت میان روستائیان موجب کاهش وابستگی معیشت و درآمد روستائیان به بهره‌برداری از آب و خاک و تولیدات کشاورزی و دامداری می‌گردد که بالنتیجه در بلندمدت انتظار می‌رود کاهش تولید در بخش کشاورزی را به عنوان آثار زیان‌بار این سیاست حمایتی دولت در کشور شاهد باشیم. کاهش و یا قطع وابستگی معیشت روستائیان به کشاورزی و دامداری و بهره‌برداری از آب و خاک، ضربه بزرگی به توسعه روستا و توسعه کشاورزی است، واگذاری سهام تحت هر عنوان از میزان وابستگی معیشتی روستائیان به بهره‌برداری از خاک و تولیدات زراعی و باغی و دامی می‌کاهد و آنها را وابسته به منبع درآمد دیگری غیر از تولید در بخش کشاورزی می‌کند، لذا این سیاست حمایتی دولت از روستائیان درغایت به زیان روستا و روستائین و به زیان کشاورزی مملکت و به زیان کشور تمام می‌شود.

ب- موضوع دیگر روند رو به تزاید ادغام روستاهای در مجاورت شهرهای بزرگ است. همین الآن در سراسر کشور شواهدی وجود دارد که نشان می‌دهد ارزش دارایی و ثروت در میان روستائیان که به سبب در مجاورت قرارگرفتن روستا به شهرهای بزرگ و مراکز استان در آستانه ادغام با شهر هستند به شدت دچار تغییر شده و افزایش یافته است. این روستائیان از یک سو به لحاظ افزایش شدید ارزش املاک و مستغلات و زمینهای وسیع در اختیارشان از چنان سطح رفاهی برخوردار شده‌اند که نه تنها نیازمند اقدامات حمایتی دولت در قالب کمک‌های

حمایتی کمیته امداد و یا سهام عدالت نیستند بلکه از قدرت خرید مرغوبترین املاک در نقاط بسیار مرغوب مراکز استانها برخوردار هستند.^۱

مهاجرت روستائیان به شهرها و پدیده ادغام

پدیده مهاجرت نیز به عنوان یک معضل و چالش در ارزیابی عملکرد و کارایی برنامه‌ها و راهبردهای توسعه روستایی مطرح می‌شود، اگر بخواهیم پدیده مهاجرت را مورد بررسی واقع بینانه قرار دهیم، آنگاه این ادعا که در غالب مقالات نیز مطرح می‌شود: "مبنی بر اینکه عمده مشکلات شهرهای بزرگ ناشی از مهاجرت روستائیان به شهرهاست و این مهاجرت هم عمدتاً ناشی از فقر و معیشت روستائیان است"، روشن خواهد شد که تا حدود زیادی بی‌اساس و ناشی از عدم درک و بررسی درست موضوع است، زیرا اولاً بخشی از روستائینی که هم اکنون در شهرها زندگی می‌کنند، از روستا مهاجرت نکرده‌اند، بلکه این شهر است که روستا را درنور دیده و روستا نابود شده و به زوال و نیستی گراییده و به ناچار روستایی بطور غیر اختیاری و جبراً مجبور به زندگی در شهر شده است. اغلب این روستائیان تا مدت‌ها زندگیشان هنوز به سبک روستایی است ولی معیشت روستایی که وابسته به کشاورزی و بهره‌برداری از آب و خاک است متحول شده. بعلاوه حتی آن عده از روستائینی که به شهرها مهاجرت می‌کنند، علت مهاجرتشان عمدتاً ناشی فقر و تنگی معیشت نیست، بلکه ناشی از رشد ارزش املاک و زمینهای آنها در روستاست که انگیزه زندگی روستایی و تأمین معیشت به سبک روستایی را از دست داده و با فروش املاک و زمینهای خود به شهر کوچ کرده و زندگی در شهر را برگزیده‌اند. بررسی‌ها نشان می‌دهد کمتر از نیمی از مهاجرت روستائیان به شهرها ناشی از تنگی معیشت و بیکاری است، که همین روستائیان نیز به امید واهی برای یافتن زندگی بهتر به شهرها مهاجرت می‌کنند که در هر حال همه این موارد فقط گویای این واقعیت است که پدیده مهاجرت از یک سو و ادغام روستا در شهر و زوال روستاها از سوی دیگر حداقل در مورد کشور ما تا حدود زیادی ناشی از سیاستگذاری‌های غلط و اشتباهات راهبردی در فرآیند برنامه‌ریزی و اجرای نادرست توسعه

۱. در اقتصاد فقط درآمد که یک جریان مستمر عایدی از فعالیت اقتصادی معین است عامل سنجش رفاه افراد نیست بلکه ثروت و دارایی نیز نقش مهمی دارد. ثروت و دارایی یک جریان مستمر نیست بلکه دفعتهاً محقق می‌شود، مثل رشد ارزش املاک و زمینهای در اختیار یک فرد، باید درصدی از ارزش دارایی و ثروت این روستائیان بصورت مالیات از آنها اخذ شود نه اینکه سهمی از جیب مستمندان جامعه به آنها داده شود.

بوده است که این خود ناشی از عدم درک صحیح برنامه‌ریزان از مفهوم توسعه است (پاپلی یزدی، ۱۳۹۲: ۱۵۲).

در مطالعات مستقلی که در زمینه علل مهاجرت روستائیان به شهرها انجام شده است، پدیده مهاجرت در ایران طی سه دهه متوالی مورد بررسی قرار گرفته که بطور تقریبی علل مهاجرت روستائیان به شهرها در جدول زیر خلاصه شده است:

جدول - نتیجه مطالعات مستقل در زمینه بررسی علل مهاجرت روستائیان به شهرها

ردیف	علل مهاجرت روستائیان به شهر	درصد
۱	مشکلات معیشتی، تنگی معیشت و پایین بودن سطح درآمد	۳۵٪
۲	افزایش ارزش املاک و مستغلات و مایملک روستائیان ناشی از پیشروی شهر به درون روستاها	۲۰٪
۳	کم آبی، خشکسالی و بلایای طبیعی و از بین رفتن مراتع و دامها	۱۵٪
۴	جنگ و دفاع از انقلاب	۱۰٪
۵	جاذبه‌های فریبنده زندگی شهری	۱۰٪
۶	نزاع‌های قومی و قبیله‌ای و ازدواجهای روستائیان با درون شهر	۵٪
۷	یافتن فرصت‌های تحصیل و شغل در مراکز شهری	۵٪

(افتخاری، ۱۳۸۹: ۶۹)

درک کلیه ابعاد مختلف مطرح در زمینه علل مهاجرت روستائیان به شهرها و تشریح آن با توجه به تنوع آب و هوایی و اقلیمی کشور و تنوع قومیت‌های مختلف و مسائل مختلف هر منطقه و تحولاتی که در سبک زندگی روستائیان بواسطه علل مختلف مهاجرت آنها به شهرها رخ می‌دهد، نیازمند بررسی‌های دقیق کارشناسی است، اما دسته‌بندی مجموعه علل در ۷ مورد به شرح جدول فوق آنهم بطور تقریبی نیازمند توضیحاتی است، لذا در دفاع از نتایج ارائه شده لازم می‌داند به تشریح نتایج خلاصه شده در جدول فوق به موارد زیر اشاره کند.

ردیف ۱- این مورد اغلب شامل روستائیان بدون زمین و یا دارای زمینهای نامرغوب و غیر حاصلخیز در برخی مناطق کشور می‌شود.

ردیف ۲- علل مهاجرت ناشی از افزایش ارزش املاک و مستغلات و مایملک روستائیان ناشی از پیشروی شهر به درون روستاها به همان موردی اشاره دارد که در این نوشتار بطور مفصل به آن پرداخته می‌شود. روستایی‌هایی که بدلیل در مجاورت قرار گرفتن املاکشان با شهرهای بزرگ با پیشنهاد قیمت‌های بالا از سوی دلالان زمین و املاک برای خرید زمین‌هایشان

مواجه هستند و انگیزه نگهداری زمین را ندارند با فروش املاک خود به شهرها کوچ می‌کنند که در هر حال اگر این کوچ صورت نگیرد نیز با پیشروی شهر، روستا از میان می‌رود. روستاهایی که طی ده سال گذشته در فرایند ادغام قرار گرفته و با پیشروی و رشد بی‌رویه شهرهای بزرگ توسط شهرها بلعیده شده‌اند زیاد است و همانطوریکه گفته شد این پدیده همچنان با سرعت در حال تحقق است و سبک زندگی و معیشت روستاییان زیادی را متحول نموده است.

در هر حال آثار و تبعات ناشی از پدیده ادغام که ناشی از گسترش بی‌رویه و رشد شهرهای بزرگ است باید از ابعاد مختلف مورد بررسی و مطالعه قرار گیرد. آنچه که مسلم است، روستائینی که در معرض پدیده ادغام و پیشروی شهرها بسوی محل زندگی‌شان واقع می‌شوند، به دو دلیل تمایل چندانی به حفظ و نگهداری زمین و باغ و املاک و مستغلات خود برای کشت و زرع و دامداری ندارند، اولاً از یک سو به سبب در مجاورت قرار گرفتن زمین‌های این روستاییان با مراکز شهری با فشار تقاضای مافیای زمین و مستغلات مواجه شده و ارزش املاکشان بطور چشم‌گیری افزایش یافته است و مدام با پیشنهاد فروش با قیمت‌های بسیار بالا از سوی واسطه‌گران و دلال‌های مافیای زمین و مستغلات مواجه هستند و بدین جهت که ارزش ملک و زمین بسیار بیش از ارزش محصولی است که روستایی باید با زحمت فراوان در طی یکسال زراعی از زمین بدست آورد. لذا، این وضعیت موجبات انگیزه‌مند شدن روستاییان برای فروش زمینهای کشاورزی و کوچ و مهاجرت اجباری آنان به شهر را فراهم می‌کند، بدون آنکه واقعاً در شهر دنبال ایفای یک نقش اجتماعی درخور جامعه شهری باشند (شریعتی، ۱۳۹۱: ۹۴).

ثانیاً و از سوی دیگر چنانچه احیاناً تعدادی از این روستاییان در مقابل جریان تقاضای زمین از سوی دلالان زمین و املاک مقاومت نمایند و حاضر به فروش املاک و زمینهای خود نباشند، تا چند صباحی دیگر در پروسه ادغام قرار می‌گیرد و شاهد پیشروی شهر بسوی روستای خود بوده و به سرعت روستا توسط شهر بلعیده می‌شود و روستایی یکباره خود را در شهر می‌بیند بدون آنکه بطور اختیاری زندگی شهری را برگزیده باشد (باتملی، ۱۳۹۲: ۸۹).

۱. فعالیت زراعی و یا دامداری در حومه شهرهای بزرگ با توسعه شهر و پیشروی شهرها بسوی روستا با فشار دستگای مختلف دولتی از قبیل شهرداری و اداره بهداشت شهرستان مواجه می‌گردد و به ناچار باید مراکز دامداری، طیورداری و کشاورزی از این مناطق تعطیل و برچیده شود و روستایی به هزارویک دلیل، دیگر انگیزه لازم برای آغاز کار در جای دیگر را ندارد.

ردیف ۳- علل مهاجرت روستائیان به شهرها ناشی از جنگ و دفاع از انقلاب یکی از مواردی است که در مطالعات جمعیتی کمتر بدان توجه شده است. شواهد بسیار قوی و کافی وجود دارد که نشان می‌دهد انقلاب را ساکنین شهرها انجام دادند، جریان روشنگری و روشنفکری در جامعه شهری از یک سو، برد رسانه‌های جمعی شنیداری، دیداری و نوشتاری از قبیل مطبوعات در دوران انقلاب که محدود به شهرها بود از سوی دیگر، عامل اصلی آگاهی در میان قشرهای مختلف و توده جمعیت شهری شده و سهم ساکنین شهری در تحقق، پیشبرد و پیروزی انقلاب را بطور غیر قابل انکاری برجسته نموده است. لذا سهم روستائیان در پیروزی انقلاب چندان برجسته نیست. اما بعد از اینکه انقلاب به پیروزی رسید، فریاد و صدای انقلاب و انقلابیون به گوش روستاها نیز رسید. اگر بخواهیم انقلاب را در دو بخش اول - به ثمر رسیدن انقلاب و بخش دوم استمرار و دفاع از آن تفکیک کنیم، نقش روستائیان در بخش دوم برجسته‌تر از ساکنان شهرهاست. خصوصاً نقش و حضور برجسته روستائیان در هشت سال جنگ و دفاع مقدس غیر قابل انکار است. حدود ۸۰٪ از ساختار نیروی انسانی نهادهای انقلابی که بعد از پیروزی انقلاب شکل گرفته و در طول دوران بعد از انقلاب در جهت اهداف و آرمانهای انقلابی نقش آفرینی داشته‌اند، از قبیل سپاه پاسداران، نیروی انتظامی، جهاد سازندگی و بعدها ارتش و دیگر نهادها، از جمعیت روستاییان متشکل شده است. در قبال خدماتی که این قشر به انقلاب داشته‌اند، سهم نهادهای حاکمیتی، سیاسی و امنیتی و دولتی در اسکان دادن آنها در شهرها و مهاجرت دادن روستائیان مذکور نباید از نظر دور داشته شود.

ردیف ۴- موارد ذکر شده در این ردیف بیشتر جزء عمده علل مهاجرت عشایر به شهرهاست، تا روستائیان ساکن در ده.

ردیف ۵- سؤال این است که از ثمرات و نتایج برنامه‌های توسعه ملی کشور چه اقشاری منتفع می‌شوند؟ گزارش‌های مختلف عملکرد از برنامه‌های توسعه گویای این است که در قالب برنامه‌های توسعه ملی، فرصت‌های شغلی زیادی در شهرها ایجاد شده است و بدین جهت زمینه‌های اشتغال نیروی کار در مراکز شهری به مراتب بیشتر از روستاهاست^۱، بعلاوه فرآیند

^۱ - هرچند طی برنامه‌های توسعه ملی در کشور فرصت‌های شغلی بیشتری در شهرها ایجاد شده، اما همین گزارشهای آماری نشان می‌دهند که نرخ بیکاری در شهرها همچنان بیش از روستاهاست. لذا وجود فرصت‌های شغلی بیشتر در شهرها با توجه به نرخ بیکاری بالای شهر در مقایسه با روستا نباید انگیزه‌ای برای مهاجرت از روستا به شهر باشد، عملاً فرصت‌های شغلی

خصوصی‌سازی و کوچک کردن دولت و ایجاد فرصت‌های سرمایه‌گذاری به نوعی فرصت‌های درآمدی بیشتری را برای طبقاتی از جمعیت شهری فراهم نموده است، رسانه ملی و مطبوعات نیز مدام سطح مطلوب و پر زرق و برقی ازسبک زندگی شهری را هم در قالب فیلمها و سریالهای نمایشی و هم در قالب تبلیغات بازرگانی به تصویر می‌کشد و تبلیغ می‌کند، بطوریکه که هرکس در شهر زندگی نکند، با مشاهده این وضعیت توصیف شده از چهره زندگی شهری توسط مطبوعات و خصوصاً رسانه ملی که اتفاقاً پاپیای برنامه‌های توسعه این روند تبلیغاتی شدت بیشتر نیز گرفته است، گمان می‌برد که جامعه شهری ایران در رفاه کامل بسر می‌برد، زیرا مدام شهروندانی که در منازل لوکس در حال مصرف کالاهایی متنوع هستند و آسایش و رفاه آنها را در مقابل دیدگان روستائیان زحمت‌کش و محروم به رخ می‌کشد به تصویر کشیده می‌شود. روستایی گمان می‌برد واقعاً سعادت، خوشبختی، آسایش و همه راحتی‌ها در زندگی شهری خلاصه می‌شود، لذا این جاذبه‌های فریبنده زندگی شهری که اغلب از طریق رسانه‌های ارتباط جمعی که این روزها برد آن به سرعت به دورترین روستاهای کشور نیز گسترده شده است تبلیغ می‌شود و روستایی با وجود این جاذبه‌ها با اندکی مواجه شدن با نا ملایمات زندگی روستایی انگیزه ترک روستا در او قوت گرفته به شهر مهاجرت می‌کند و زندگی شهری را انتخاب می‌کند. جاذبه‌های فریبنده زندگی شهری عاملی است تقویت کننده و مکمل که در کنار عوامل دیگر موجب تسریع در مهاجرت روستائیان به شهرها را فراهم می‌کند.

جمع بندی

اگر بخواهیم به این پرسش پاسخ دهیم که: "چرا علیرغم بیش از چهار دهه تلاشهای برنامه‌ریزی در زمینه توسعه روستایی، هنوز مهاجرت روستا شهری آنهم عمدتاً به دلیل مشکلات معیشتی ادامه دارد؟ و چرا اهداف و نتایج مطلوب حاصل نشده است؟" باید اشتباهات راهبردی در برنامه‌ریزی توسعه ملی بطور کلی و توسعه روستایی بطور خاص را مورد آسیب‌شناسی و نقد و بررسی قرار دهیم که در اینجا بطور اجمال به تشریح برخی از این موارد می‌پردازیم.

بیشتر در شهرها نقش یک عامل مجذوب کننده و فریبنده برای مهاجرت از روستا به شهر ایفا می‌کند. چون این فرصت‌های شغلی هنوز نتوانسته نرخ بیکاری در شهرها را حتی به نرخ بیکاری در روستاها برساند.

۱) **سیاست‌های حمایتی و وابستگی:** در قالب برنامه‌های توسعه و عمران روستایی بجای خود اتکایی روستا در تأمین نیازهایش و رساندن سطح خدمات مختلف روستا در حد متوسط جامعه شهری، نوعاً خدمات عمومی روستایی موجب افزایش میزان وابستگی و اتکاء روستاها به شهرها شده است. تحت عنوان عمران و آبادی روستاها، با بردن برخی خدمات عمومی آنها بطور غیرکافی و غیر کامل و بعضاً غیر لازم، علاوه بر اتکای بیشتر روستاها به شهرها، فقط ذائقه روستاییان محروم را به برخی از لذات زندگی شهری و مصادیق رفاه شهری حساس کرده‌ایم ولی عطش او به دریافت این نوع خدمات رفاهی موجود در شهر را پاسخ لازم نداده‌ایم.^۱ کیفیت و کمیت برخی خدمات و اقدامات عمرانی در روستاها نوعاً اینگونه است. این زمینه‌های ایجاد وابستگی و اتکاء روستا به شهر، در روند توسعه اجتماعی و اقتصادی روستا از ابعاد مختلف اختلال ایجاد می‌کند.

۲) **تعدد راهبرد و برنامه:** فهرست راهبردهای بکار رفته در توسعه روستا طی چهار دهه اخیر (که ذکر آن رفت) نشان می‌دهد که در واقع روستاهای ایران طی این مدت عرصه آزمایشگاهی برای تست و آزمون راهبردهای گوناگون توسعه به مفهوم عام و توسعه روستایی به مفهوم خاص بوده است. با این حال شواهد فراوان نشان می‌دهد کماکان روستاهای زیادی در کشور وجود دارند که از وضع نابسامان توسعه نیافتگی رنج می‌برند. البته تلاشهای چهار دهه اخیر تا حدود زیادی موجب آبادی روستاهای کشور شده است اما واقعیت تلخ آن است که به واسطه تدوین و اجرای سیاست‌های بعضاً نادرست، متناقض و متعارض از یک سو و عدم درک واقع‌بینانه از مفهوم توسعه روستایی در میان مدیران محلی و برنامه‌ریزان توسعه در مناطق و استانها از سوی دیگر و عدم غایت‌نگری در برنامه‌ها و راهبردهای اتخاذ شده^۲، روستاهای زیادی به لحاظ ماهیت و کارکرد از حالت روستا بودن تغییر ماهیت داده و بجای روستا، مناطق مسکونی ایجاد شده که

۱. مثلاً پوشش غیر کامل خدمات ارتباطات ثابت و سیار در روستا، نقصان در شبکه برق رسانی و آبرسانی روستا، نقصان در خدمات بهداشتی و آموزشی و از این قبیل.

۲. برخی از این راهبردها توصیه‌های بجایی دارند ولی در عمل و اجراء چون غایت‌نگری در برنامه صورت نمی‌گیرد نتیجه معکوس عاید می‌شود. برخی نیز اساساً برای حل معضلات روستاهای کشوری چون بنگلادش و کشورهای آفریقایی تعبیه و تدوین شده‌اند ولی بدون درک ماهیت آن راهبردها، در مورد روستاهای ایران تجویز و بکار گرفته می‌شود.

آبادتر از گذشته به لحاظ بهره‌مندی از امکانات اجتماعی و خدماتی است، اما به لحاظ کارکرد روستا نیست.^۱

۳) **فقدان پشتوانه آمایشی طرح‌های توسعه:** معمولاً برای تأسیس یک کارگاه، کارخانه، سردخانه و یا هر واحد صنعتی و تجاری و کسب و کار ابتداء مکان‌یابی و مطالعات مکان صورت می‌گیرد، در مکان‌یابی یک واحد صنعتی بطور مثال به عوامل طبیعی، انسانی و سایر عوامل تاثیرگذار توجه می‌شود، تأمین مواد اولیه، تأمین انرژی، ارتباطات و حمل و نقل، کیفیت زمین و نوع خاک، سرمایه و تجهیزات مورد نیاز، دسترسی به بازار مصرف و بازار فروش محصول و بسیاری عوامل دیگر، اما جالب است بدانیم که در برنامه‌ریزی توسعه روستایی، ساختار فضایی اولیه و هسته اولیه تشکیل یک روستا را که عمدتاً هم غیر علمی و بدون مطالعات اولیه بوده است مبنای توسعه بعدی روستا قرار داده‌ایم.^۲ برای ایجاد یک فضای کسب و کار مطالعات مکان‌یابی انجام می‌دهیم ولی برای ایجاد فضای زندگی اجتماعی گروهی انسان که ضرورتاً لازم است، علاوه بر نگاه به وضع موجود و مکان استقرار فعلی آن، چشم‌انداز آتی آن نیز مد نظر باشد، مطالعات مکان‌یابی انجام نمی‌دهیم. مبنای توسعه روستا همان ساختار و شکل اولیه محل احداث روستاست. اگر زمانی سنگ بنای اولیه روستا، بر اساس خواست و نیاز چند خانوار شکل گرفته و بعداً با افزایش جمعیت، این روستا گسترش یافته، ما همان را مینا قرار داده‌ایم و با صرف هزینه و زمان زیادی امکانات و خدمات را به روستا کشانده‌ایم. در این فرآیند علاوه بر صرف هزینه‌های سنگین و زمانهای طولانی برای اجرای پروژه‌های مختلف عمرانی روستا، چه بسا آسیبهای فراوان نیز بواسطه بردن برخی خدمات روستایی از قبیل آب و برق و راه و حمل و نقل و ... بر محیط زیست منطقه وارد کرده‌ایم. به عبارت دیگر در برخی موارد توسعه روستا موجب شده است نوعی مبارزه میان انسان و طبیعت شکل بگیرد که نه به سود روستایی و نه به سود طبیعت روستا بوده است.

۴) **فرایند زوال روستاها و پیشروی شهرها در حوزه نفوذشان:** اگر همه جوانب الگوی توسعه روستا شهری و نظام سلسله مراتبی مد نظر قرار نگیرد، این الگو بجای آنکه درصدد حفظ

۱. به عقیده اغلب کارشناسان توسعه روستا فقط با آوردن آب و برق در روستا تحقق نمی‌یابد، همین الان گفته می‌شود که

حدود ۹۰٪ روستاهای کشور دارای آب بهداشتی و برق هستند ولی سؤال این است که چرا توسعه اتفاق نیافتاده است؟

۲. هسته اولیه یک روستا باید مبتنی بر مطالعات مکان و درک موقعیت، ساختار زمین شناسی مناسب، خاک مناسب، شیب مناسب، منابع آب کافی، خاک حاصلخیز بوده مجموعه ملاحظات مذکور در افق توسعه آتی روستا دخالت داده شود.

تبادل و تناسب فاکتورهای توسعه میان شهر و روستاهای اقماری آن باشد، در غایت و نهایت به قطبی شدن شهر، برقراری نظام استعماری و سلطه شهری بر روستاهای حوزه نفوذ و زوال روستاهای اقماری از طریق پیشروی شهر در روستاهای حوزه نفوذش و نهایتاً بلعیده شدن روستاها در شهر به عنوان قطب پیشرفت و توسعه و ایجاد دوگانگی و تضاد منافع هر چه بیشتر میان شهر و روستا خواهد شد. نکته حائز توجه این است که متولیان امور برنامه‌ریزی توسعه در کشور نیز اغلب الگوی نظام سلسله مراتبی را بر مبنای سطح بندی جمعیتی مناطق بدون درک پیامدهای آن مبنای منطقه‌بندی در کشور قرار داده‌اند. پیامدهایی از قبیل تشدید دوگانگی میان روستا و شهر و تشکیل قطبهای بزرگ جمعیتی و امکاناتی در شهرهای اصلی که عدم توجه به این پیامدها منجر به زوال روستاهای اقماری رشد بی‌رویه شهرهای بزرگ و برقراری نظام سلطه شهری بر روستا خواهد شد (شفر، ۱۳۸۹: ۵۱). جای تعجب نیست اگر امروز با گذشت حدود چهار دهه برنامه‌ریزی توسعه روستا محور همچنان شاهد زوال و نابودی روستاها هستیم. زوال و نابودی روستا در فرایند تحولات محیط اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و ساخت فضایی و جغرافیایی ایران امروز یک پدیده واقعی و در حال تحقق است. سرعت روند زوال روستاها زنگ خطری برای توسعه آتی کشور به حساب می‌آید. برای درک اهمیت موضوع کافی است بدانیم، زوال و نابودی روستا یعنی نابودی کشاورزی، دامداری، مرتعداری و باغداری و هرآنچه که به توسعه ملی مرتبط است. با گسترش و رشد بی‌رویه شهرها که تا حدود زیادی به رشد جمعیت شهری و تقاضا برای مسکن از سوی جمعیت شهری وابسته است، شهرها بسوی روستاهای درون حوزه نفوذ خود پیشروی می‌کنند. در طی این فرایند فاصله روستاها به شهر به تدریج و در طول زمان کاهش یافته، کمتر و کمتر می‌شود و در نهایت روستا در شهر ادغام می‌شود و اصطلاحاً توسط شهر بلعیده می‌گردد. پدیده ادغام، ترکیب جمعیتی را از ساکنین مناطق ایجاد می‌کند که نه کارکرد روستایی ندارد و نه کارکرد یک شهروند به معنی واقعی.

۵) فرهنگ و رسانه: در قالب برنامه‌های توسعه ملی، فرصت‌های شغلی زیادی در شهرها ایجاد شده است و بدین جهت زمینه‌های اشتغال نیروی کار در مراکز شهری به مراتب بیشتر از روستاهاست^۱، بعلاوه فرآیند خصوصی‌سازی و کوچک کردن دولت و ایجاد فرصت‌های

۱. هرچند طی برنامه‌های توسعه ملی در کشور فرصت‌های شغلی بیشتری در شهرها ایجاد شده، اما گزارش‌های آماری نشان می‌دهند که نرخ بیکاری در شهرها همچنان بیش از روستاهاست. لذا وجود فرصت‌های شغلی بیشتر در شهرها با توجه به نرخ بیکاری بالای شهر در مقایسه با روستا نباید انگیزه‌ای برای مهاجرت از روستا به شهر باشد، عملاً فرصت‌های شغلی بیشتر در

سرمایه‌گذاری به نوعی فرصت‌های درآمدی بیشتری را برای طبقاتی از جمعیت شهری فراهم نموده است، رسانه ملی و مطبوعات نیز مدام سطح مطلوب و پر زرق و برق و برقی ازسبک زندگی شهری را هم در قالب فیلمها و سریالهای نمایشی و هم در قالب تبلیغات بازرگانی به تصویر می‌کشد و تبلیغ می‌کند، بطوریکه که هرکس در شهر زندگی نکند، با مشاهده این وضعیت توصیف شده از چهره زندگی شهری توسط مطبوعات و خصوصاً رسانه ملی که اتفاقاً پاپیای برنامه‌های توسعه این روند تبلیغاتی شدت بیشتر نیز گرفته است، گمان می‌برد که جامعه شهری ایران در رفاه کامل بسر می‌برد، زیرا مدام شهروندانی که در منازل لوکس در حال مصرف کالاهایی متنوع هستند و آسایش و رفاه آنها را در مقابل دیدگان روستائیان زحمت‌کش و محروم به رخ می‌کشد به تصویر کشیده می‌شود. روستایی گمان می‌برد واقعاً سعادت، خوشبختی، آسایش و همه راحتی‌ها در زندگی شهری خلاصه می‌شود، لذا این جاذبه‌های فریبنده زندگی شهری که اغلب از طریق رسانه‌های ارتباط جمعی که این روزها برد آن به سرعت به دورترین روستاهای کشور نیز گسترده شده است تبلیغ می‌شود و روستایی با وجود این جاذبه‌ها با اندکی مواجه شدن با نا ملایمات زندگی روستایی انگیزه ترک روستا در او قوت گرفته به شهر مهاجرت می‌کند و زندگی شهری را انتخاب می‌کند. جاذبه‌های فریبنده زندگی شهری عاملی است تقویت کننده و مکمل که در کنار عوامل دیگر موجب تسریع در مهاجرت روستائیان به شهرها را فراهم می‌کند.

نتیجه‌گیری و پیشنهادات

بر مبنای مطالعات صورت گرفته در راهبردهای موفق توسعه روستایی در جهان و به منظور جمع‌بندی و نتیجه‌گیری از مطالب ارائه شده، می‌توان علل شکست برنامه‌های توسعه روستایی و شدت گرفتن روند زوال و نابودی روستاها و راهکارهای پیشگیری از آنرا در موارد زیر خلاصه کرد:

۱) قطع وابستگی معیشت روستائیان از بهره‌برداری از خاک و آب و فعالیت کشاورزی و وابسته شدن آن به شهر و یا وابسته شدن آن به برنامه‌های حمایتی دولت.

شهرها نقش یک عامل مجذوب کننده و فریبنده برای مهاجرت از روستا به شهر ایفا می‌کند. چون این فرصتهای شغلی هنوز نتوانسته نرخ بیکاری در شهرها را حتی به نرخ بیکاری در روستاها برساند.

۲) برنامه‌های توسعه روستا در ایران واقعاً روستا محور است و توسعه روستا را در دایره بسته روستا دنبال کرده‌ایم، در حالیکه برنامه‌های توسعه روستایی را باید گره زد به برنامه‌های توسعه ملی، زیرا توسعه ملی درگرو توسعه روستاست و بدون توسعه واقعی روستا توسعه ملی امری محال است. بعلاوه توسعه روستاها و توسعه شهرها همزمان باید در یک الگوی یکپارچه در افق زمانی برنامه‌های توسعه ملی لحاظ گردد.

۳) تجربیات برنامه‌ریزی و توسعه روستایی در ایران نشان می‌دهد مردم روستا که در بسیاری از فعالیت‌های توسعه‌ای در خصوص محیط از شناخت عمیق برخوردار هستند کنار گذاشته شده و حتی فراموش شده‌اند. به عبارتی، انگیزش‌ها و محرک‌های متنوعی چون اثر بخش کردن برنامه‌ها یا کارآمد کردن آنها، دستیابی به عدالت مکانی و انسانی و توانمندسازی مردم در نگاه کلاسیک شهر محور، حداکثر دخالت دولت و بخش‌نگر، در فرایند برنامه‌ریزی‌های ملی و روستایی نادیده گرفته شده است. به طور کلی در راهبرد حداکثر دخالت دولت در توسعه روستایی، به مشارکت مردم در این فرایند توجهی نشده است و هدف مشارکت مردم و نهادهای محلی و مردمی در فرایند برنامه‌ها موجب ناکامی در برنامه‌ها، افزایش هزینه‌ها، هدر رفتن سرمایه‌های انسانی، مادی و اجتماعی شده و سرانجام شکاف و نارضایتی را در بین مردم دامن زده است.

۴) موفقیت اندک در زمینه فقرزدایی و رفع محرومیت در نواحی روستایی، علیرغم سابقه زیاد برنامه‌های توسعه روستایی و نیز حجم هزینه‌ها و سرمایه‌گذاری‌های انجام شده، ناشی از نارسایی در محتوای سیاست‌ها و راهبردهای توسعه روستایی و فقرزدایی در کشور است. رویکرد حاکم بر برنامه‌های توسعه روستایی، در سال‌های قبل از انقلاب، بخشی از الگوی نوسازی بوده که در راستای راهبرد صنعتی شدن شتابان کشور و به دنبال آن توسعه شهری موجب حاکمیت دیدگاه فن محوری شد. این رویکرد در بسیاری از کشورها، و از جمله ایران، نه به از بین بردن فقر مادی کمک کرده و نه منابع اجتماعی و محیطی ارزشمند را حفظ نموده است. افزایش فقر و در حاشیه قرارگرفتن جامعه روستایی از آثار و پیامدهای این رویکرد بوده است. این الگو، که تنها به دنبال راه حل تکنیکی برای مسائل بود، با نیازها و ظرفیت نواحی روستایی سازگاری نداشت، که مشارکت ضعیف مردم و در حاشیه واقع شدن آنها مانع موفقیت آن گردید. بعد از انقلاب اسلامی، برنامه‌های توسعه روستایی و محرومیت‌زدایی در کشور غالباً با رویکرد رفاه اجتماعی و خدمات‌رسانی بوده که هر چند در بهبود وضع کلی نواحی روستایی تأثیر داشته

ولی، به علت فقدان جامعیت لازم و همچنین هدفمند نبودن، نقش چندانی در بهبود فقر کلی و نسبی در نواحی روستایی نداشته است. در این راستا اگرچه جهاد سازندگی در حوزه مسؤولیت خود کوشیده بود تا حد امکان به اهداف مورد نظر دست یابد اما اگر در این حوزه ضعفی دیده می‌شود بیشتر به فقدان یک راهبرد کلان و بلند مدت در سطح ملی در حوزه توسعه روستایی و فقرزدایی باز می‌گردد. هنوز هم جایگاه توسعه روستایی در نظام برنامه‌ریزی کشور چندان روشن و شفاف نیست و بنابراین هر یک از دستگاه‌ها، و از جمله جهاد سازندگی و بعدها جهاد کشاورزی، کمیته امداد امام خمینی، بنیاد مسکن، وزارت آموزش و پرورش، وزارت بهداشت، وزارت کار، وزارت کشور و... بر اساس دید و نگرش خود حرکت می‌کنند و می‌کوشند تا در این حوزه به موفقیت‌هایی نائل شوند.

۵) فقدان ارتباط ارگانیک و فراگیر میان نهادهای سازمان‌های متولی توسعه روستایی و فقرزدایی در کشور بر دامنه مشکلات در این حوزه افزوده است. بدیهی است در چنین شرایطی یک سازمان حتی اگر نهادی انقلابی با حوزه گسترده عملکردی باشد به سختی می‌تواند راه اصولی و منطقی در این زمینه بی‌یابد.

برای توفیق در برنامه‌های توسعه روستایی و اصلاح راهبردهای توسعه در روستا باید به نکات زیر توجه شود:

- ۱) حفظ کارکردهای روستا و توجه به عوامل ابقاء و بهداشت و پایداری روستائیان در روستا، درعین توجه به عمران و آبادی روستا
- ۲) ایجاد روستاهای جدید در ازای روستاهای رو به زوال با سرعتی که فرایند ادغام روستاها و گسترش شهرها در حال انجام است.
- ۳) کنترل رشد بی‌رویه شهرها و جلوگیری از پیشروی بی‌رویه شهرها درحوزه نفوذشان به منظور صیانت از روستاها یک امر ضروری است. در غیر اینصورت زوال روستاها، زوال کشاورزی و نابودی اقتصاد ملی را در پی خواهد داشت.
- ۴) مراکز توسعه روستایی، مطالعات مکان‌یابی برای ایجاد روستاهای مدرن (روستا شهر) با تاکید برحفظ و تقویت کارکرد روستایی را در سراسر کشور وجه همت خود قرار دهند.
- ۵) زمینه مهاجرت معکوس از شهرها به روستاهای مدرن با تدابیر و تمهیدات و مشوقها و تسهیلات لازم فراهم گردد.

۶) درسیاستهای رسانه‌ای و برنامه‌های فرهنگی در سطح ملی و منطقه‌ای تشویق به زندگی در روستا و مزیتها و جذابیت‌های روستا لحاظ شود و زشتی‌ها و ناهنجاری‌های موجود در زندگی شهری از نظرها و نگاه‌ها دور نماند.

۷) نظام مدیریت منابع آب در روستاها شامل سیستمهای پیشرفته آبیاری مختص مناطق کم آب، آبخیزداری، احداث سدهای نگهدارنده آب، جمع‌آوری آبهای سطحی، خصوصاً در توسعه و ایجاد روستاهای نوین مورد تاکید قرار گیرد.

۸) راهبردهای توسعه روستایی واقعاً مورد تجدید نظر و اصلاح قرار بگیرند و بطور مثال در مورد سیاستهای حمایتی دولت نسبت به روستائیان از قبیل کمک‌های کمیته امداد و توزیع سهام عدالت تجدید نظر صورت گیرد. خصوصاً در بحث توزیع سهام عدالت همین الان هم می‌توان و باید اصلاح لازم را انجام داد و ضمن توقف توزیع سهام میان همه روستائیان، به روستائینی که این سهام را دریافت نموده‌اند، معادل ارزش آن تسهیلاتی جهت تهیه ابزار و تجهیزات کشاورزی و یا سهم عادلانه‌ای از زمین کشاورزی در روستای محل اسکان به آنها واگذار شود.

۹) برنامه‌ریزی توسعه شهری برای شهرهای بزرگ کشور می‌بایست در قالب برنامه توسعه ملی و منطقه‌ای کشور بگونه‌ای تنظیم گردد که شهرهای بزرگ تا محدوده معینی قادر به پیشروی در حوزه نفوذ خود باشند تا روستاهای در معرض زوال و نابودی بواسطه سیاست‌های غلط توسعه شهری طی پنج دهه گذشته از تعرض و تجاوز شهرها مورد حفاظت و مصونیت قرار گیرند.

عدم برنامه‌ریزی واقع‌گرایانه و درک صحیح از فرایند توسعه متوازن در سطح ملی که هم شامل فقدان انسجام و غایت‌نگری در برنامه‌های توسعه شهری است و هم عدم غایت‌نگری در برنامه‌های توسعه روستایی جملگی مشکلاتی را پدید می‌آورند که چهره کشوری در حال توسعه مانند ایران نشان می‌دهد، روستاها بسوی زوال و نابودی پیش می‌رود و شهرها هم کارکرد واقعی خود را آنگونه که باید ندارند. بخش عمده‌ای از معضلات و شکستهای در برنامه‌ریزی توسعه روستایی ناشی از شتاب و رشد بی‌رویه ناموزن و ناهمگون در شهرهاست. بعلاوه یکپارچگی و انسجام در برنامه‌های توسعه روستا و توسعه شهر بطور همزمان لحاظ نشده و بطور کلی برنامه توسعه ملی با این توصیف با معضلات عدیده مواجه است و بدین ترتیب چشم‌اندازی که از هم اکنون به انتظار آن نشستیم و پیش‌بینی کرده‌ایم با آنچه تحقق خواهد یافت بسیار متفاوت خواهد بود. بدیهی است اگر این آسیب‌شناسی‌ها و ارزیابی‌ها را نسبت به عملکرد و

برنامه‌های در دست اجراء مد نظر قرار ندهیم و اصلاحات لازم در جهت رفع انحراف از اهداف چشم‌انداز را لحاظ نکنیم آینده امیدوار کننده‌ای را نباید انتظار داشته باشیم. همچنین باید بر این نکته تاکید شود که اگر به دنبال یک ارزیابی منصفانه از عملکرد چندساله در زمینه تدوین و اجرای برنامه‌های روستا محور هستیم.

باید ببینیم همزمان با اجرای برنامه‌های توسعه و عمران روستایی و تغییرات پایایی و بدون عاقبت‌اندیشی در راهبردهای مختلف توسعه روستایی، چند روستا به نابودی و زوال گراییده و ما در طی بیش از چهار دهه چند روستای جدید ایجاد کرده‌ایم؟

در نهایت بر این نکته تاکید می‌شود که باید بدنبال یک برنامه جامع، پایدار، هماهنگ و نظام‌مند از توسعه ملی باشیم که تناسب رشد شهرها و روستاها هر دو در آن لحاظ شده باشد. نابودی روستا یعنی نابودی کشور، لذا توسعه روستا را نه برای حفظ روستا که برای رشد و توسعه ملی نیاز داریم و باید مورد توجه ویژه قراردهیم. بدون توسعه واقعی روستاها، توسعه ملی معنا نخواهد داشت.

فهرست منابع

الف) منابع فارسی

- استعلامی، علیرضا (۱۳۹۰). بررسی و تحلیل رویکردها و راهبردهای توسعه روستایی- ناحیه‌ای. تهران: موسسه توسعه روستایی ایران.
- باتملی، ترور (۱۳۹۲). مؤسسات کشاورز- محور برای توسعه کشاورزی: فعالیت تعاونی‌ها در امور اعتبار، عرضه و بازاریابی ترجمه علی کمالی و همکاران، تهران: وزارت جهاد کشاورزی، مرکز تحقیقات و بررسی مسائل روستایی.
- برنامه عمران سازمان ملل متحد (۱۳۸۷). دستور کار ۲۱، ترجمه حمید طراوتی و امیر ایافت، تهران: سازمان حفاظت محیط زیست.
- پاپلی یزدی، محمدحسین. (۱۳۹۲). جایگاه روستا در فرآیند توسعه ملی از دیدگاه صاحب نظران، تهران: انتشارات مؤسسه روستایی ایران.
- پرتی، جولزان. (۱۳۹۱). بازآفرینی کشاورزی، سیاست‌ها و عملیات مناسب برای پایداری و خوداتکایی ترجمه علیرضا کاشانی، تهران: وزارت جهاد کشاورزی، مرکز تحقیقات و بررسی مسائل روستایی.
- تودارو، مایکل (۱۳۸۷). توسعه اقتصادی در جهان سوم، ترجمه غلامعلی فرجادی، تهران: مؤسسه عالی پژوهش در برنامه‌ریزی و توسعه.
- بندیویدوال، آورم (۱۳۸۴). برنامه ریزی توسعه نواحی روستایی: اصول، رهیافت‌ها و ابزارهای تجزیه و تحلیل اقتصادی، تهران: وزارت جهاد سازندگی، مرکز تحقیقات و بررسی مسائل روستایی.
- دیکسون، جان (۱۳۹۲). «هدفگذاری خدمات کشاورزی برای نظام‌های مختلف بهره برداری جهت توسعه روستایی و کشاورزی پایدار در ایران»، ترجمه فاطمه نوروزیان. مجموعه مقالات اولین همایش نظام‌های بهره برداری کشاورزی در ایران (چالش‌ها راه‌حل‌ها)، تهران: وزارت جهاد کشاورزی، معاونت ترویج و نظام‌های بهره برداری با همکاری مؤسسه فرهنگی-هنری شقایق روستا.
- رضوانی، محمدرضا (۱۳۹۱). «برنامه‌ریزی توسعه روستایی (مفاهیم، راهبردها و فرآیندها)»، مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دوره ۵۲، شماره ۱۶۴، زمستان.
- رضوانی، محمدرضا (۱۳۹۳). مقدمه‌ای بر برنامه‌ریزی توسعه روستایی در ایران، تهران: قومس.

- رضوی، سید حسین و علی‌نی، محسن (۱۳۷۹). «جهاد سازندگی و رویکرد فقرزدایی»، **مجموعه مقالات نقش جهاد سازندگی در بخش کشاورزی و توسعه روستایی**، مرکز تحقیقات و بررسی مسائل روستایی، صص ۱۴-۵.
- رکن‌الدین افتخاری، عبدالرضا؛ سجاسی قیداری، حمداله و رضوی، سیدحسین (۱۳۸۹). «راهبردهای توسعه کارآفرینی کشاورزی در مناطق روستایی»، **فصلنامه روستا و توسعه**، دوره ۱۳، شماره ۱۳، پاییز.
- شریعتی، محمدتقی (۱۳۹۱). «انگاره جدید در تحول کشاورزی و توسعه روستایی»، **مجله اطلاعات سیاسی اقتصادی**، شماره ۱۶۴-۱۶۳، صص ۲۴۳-۲۳۸.
- شفره، آندرو (۱۳۸۹). **توسعه پایدار روستایی**، ترجمه محمود حسینی، تهران: دانشگاه تهران.
- شهبازی، اسماعیل (۱۳۸۶). **توسعه و ترویج روستایی**، تهران: دانشگاه تهران.
- قنبری، یوسف و برقی، حمید (۱۳۸۷). «چالش‌های اساسی در توسعه پایدار کشاورزی ایران»، **فصلنامه راهبرد یاس**، شماره ۱۶، زمستان.
- گریفین، کیت. و جیمز، جفری (۱۳۶۸). **انتقال به توسعه عادلانه، سیاست‌های اقتصادی برای تغییر ساختاری در کشورهای جهان سوم**، ترجمه محمدرضا رفعتی، تهران: وزارت امور خارجه جمهوری اسلامی ایران، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی.
- مرکز تحقیقات و بررسی مسائل روستایی (۱۳۸۹). «گزارش وضع موجود مناطق روستایی کشور، - مؤسسه توسعه روستایی ایران».
- مطیعی لنگرودی، سید حسن و اردشیری، علیرضا (۱۳۸۶). «پیامدهای ایجاد صنایع فرآوری محصولات کشاورزی در توسعه روستایی، بخش مرکزی آمل»، **فصلنامه پژوهش‌های جغرافیایی**، شماره ۶۱، پاییز.
- مطیعی لنگرودی، سیدحسین. (۱۳۹۴). «توسعه روستایی مبتنی بر پایداری کشاورزی»، **فصلنامه تحقیقات جغرافیایی**، شماره ۸۵.
- ملور، جان ویلیام (۱۳۹۳). «توسعه کشاورزی در ایران: تعامل هدف‌ها و راهبردها»، **فصلنامه اقتصاد کشاورزی و توسعه**، سال ۱۲، شماره ۴۵.
- ملور، جی (۱۳۹۳). «توسعه کشاورزی در ایران، تعامل هدف‌ها و راهبردها»، **فصلنامه اقتصادی کشاورزی و توسعه**، سال ۱۲، ش ۴.
- مولایی هشتجین، نصرالله (۱۳۹۲). «الگوی بهینه برای برنامه‌ریزی توسعه خدمات روستایی در ایران (مطالعه موردی: جنوب استان اردبیل)»، **فصلنامه تحقیقات جغرافیایی**، سال ۱۸، شماره ۳.

فصلنامه راهبرد سیاسی؛ سال اول، شماره ۳، زمستان ۱۳۹۶

نصیری، حسین (۱۳۸۹). توسعه پایدار، چشم‌انداز جهان سوم، تهران: فرهنگ و اندیشه.